

# صدای کارگران باشیم!

نگاهی به چهره دامن گستر فقر در زندگی کارگران ایران

(بخش اول)

امیرجوهری لنگرودی

amirjavaheri@yahoo.com

اسفند ۱۳۹۲ برابر فوریه ۲۰۱۴

چیزی به پایان سال ۱۳۹۲ نمانده است. از اینرو نگاهی به مجموعه فقر موجود در جامعه در ورود به سال نو، ما را تا حدی با واقعیت های جامعه همراه می گرداند تا چاره ای بیندیشیم.

در ایران چهره فقر، آن حد بدیهی است که هیچ اراده سیاسی برای کتمان فقر موجود به پیش صحنه نمی آید. هر چند برای رفع آن نیز اقدام عملی نمی کند. همه تا حدی حرفش را می زنند و اینجا و آنجا گلو می درانند ولی در عمل اجتماعی، هیچ طرح و نقشه ای برای جلوگیری از پیشروی آن ندارند.

پرسش این است؛ چه زمانی فقر عمومی جامعه و خاصه واریسی همه جانبه زندگی کارگران، تیتیر یکی از روزنامه های جدی و پرتیراژ کشور شده است؟ بی تعارف صحبت کنیم، طی این همه سال ها هیچوقت!

و این درحالیستکه در ایران فقر موجود در هزار و یک چهره آشکار و پنهان در حال خودنمایی است.

خوب است باز بپرسیم: چه کس و کسانی مسئول گسترش فقر در جامعه اند؟ فقر همیشه یک مسئله سیاسی با زیر بنای اقتصادی است. از اینرو قدرت سیاسی، مسئول آفرینش فقر و دامن گستر شدن آن در جامعه می باشند.

این روزها از ۳۵ امین سالگرد انقلاب بهمن ۵۷ عبور کرده ایم. انقلابی که قرار بود؛ آب و برق را مجانی کند و عدالت را به تساوی تقسیم نماید و گُوخ نشینان را در برابر کاخ نشینان، تعالی بخشد. اما همه آنچه که شد، عکس این رخداد تاریخی کشور ما و خواست مردمان ما در فروریزی نظام پیشین (سلطنت پهلوی ها) بوده است.

در ایران دیروز و امروز، زخمی که نداری و فقر مهلک بر قلب افراد نیازمند بیشتر می زند، زیادتیر از مشکل جامعه ما در برابر امر حجاب اجباری و روابط دختر و پسر، ترویج موسیقی و سینما، زنانه و مردانه کردن کلاس های درس، بیمارستان ها و اتوبوس ها و تفکیک جنسیتی در سطح جامعه نیست.

آیا برای شکمی که گرسنه است، دیدن خانه های ۳۰، ۲۰، ۱۵ میلیاردی، در کلان شهر تهران، بیشتر ناداران و بی چیزان، گرسنگان و فقرا را به طغیان می کشاند یا روسری عقب افتاده دخترکی جوان در فلان خیابان که باید به مقتضای سن اش جوانی کند؟

چرا حاکمیت کشور ما، برای بسط دایره امنیت و اطلاعات و خانه گردی، بسط دایره تسلیحات نظامی، پربار کردن شکم های برآمده عمده سپاهی، هزار و یک نقشه می کشد و برای پوشش انرژی بی رمق هسته ای و غنی سازی بالای ۲۰ درصدی اورانیوم به قواره نظام، و با افزایش حامل های انرژی، آسیب جدی به تولید زده اند. همواره سیاست گذاری می کنند و یا در راه خصوصی سازی و خودمانی کردن های افراطی دست از پا نمی شناسند. اما برای زدودن بحران و مرگ فقر نمی توانند سیاست بگذارند و قدمی برای محدودیت بخشیدن بردامنه گسترش آن بردارند؟

آیا نمی توان فقر کودکان خیابانی را نه برای همیشه حل، بلکه بتوان تخفیفش داد و پداگوگ لازم را برای راه یابی این معضل بزرگ اجتماعی به راه درستش، با تمام نیرو از همین امروز سازمان داد؟

بگمانم اراده سیاسی لازم برای ریشه کنی فقر و کم کردن دامنه نضح آن در اساس وجود ندارد. چرا که اگر وجود می داشت. همان طور که در مناسبات سیاسی افراد جامعه با افزایش بار امنیتی و تفحص و تجسس تا ته زندگی مردم، کنجکاوانه راه می جویند و شنود کار می گذارند. چنانچه به ریشه یابی فقر بعنوان یک معضل عظیم اجتماعی نیز نگاهی انداخته می شد و گام های اساسی لازم و گاه اولیه برای ارائه الطریق آن بر می داشتند. امروز با چنین فقر دامن گستری در جامعه روبرو نبودیم.

گسترش فقری که در سی و پنج ساله گی بعد از انقلاب بهمن، در کشوری با بیش از میلیارد ها دلار در آمد ارزی روبرو بود ه بطوری که بر پایه آمار اعلام شده زیر که در مطبوعات انتشار یافت:

« ... اوپک، طی هشت سال ریاست جمهوری احمدی نژاد، کشور از طریق صادرات نفت بیش از ۵۷۸ میلیارد دلار درآمد داشته است.

این یعنی در هشت سال احمدی نژاد درآمدهای نفتی نسبت به دوره قبل تر، یعنی سید محمد خاتمی ۲۴۶ درصد افزایش داشته است. این افزایش فوق العاده می توانست به یک فرصت تبدیل شود. در دو دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی کشور جنگ زده ایران را تنها با ۱۲۳ میلیارد دلار اداره کرد و دولت میر حسین موسوی جنگ را با ۱۰۳ میلیارد دلار اداره کرد .

کل درآمدهای نفتی ایران از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۹۲ برابر ۱۰۱۰/۹۲ میلیارد دلار بوده که درآمد هشت سال احمدی نژاد از این ۳۱ سال، بیش از ۵۷ درصد بوده است. یعنی ۵۷ درصد درآمدهای نفتی کشور در دو دولت احمدی نژاد تجمیع شده است. کل درآمدهای سه دولت قبلی روی هم برابر ۴۳۲/۵۹ میلیارد دلار بوده، یعنی شش دولت موسوی، هاشمی و خاتمی روی هم تنها نزدیک به ۷۵ درصد دو دولت احمدی نژاد، درآمدهای نفتی داشتند.» (۱) بدین ترتیب با این درآمد ارزی و هزینه کردن بی نقشه آن و مال اندوزی بی حساب، مشتی رانت خوار و حل من مبارز طلب، آحاد مردمان مان از همیشه بی خانمان تر و خانه خراب تر، ویران تر و بدبخت تر، گرسنه تر و بیکار تر، فقیرتر و بیمارتر، گرفتارتر و محتاج تر، دربدر و آواره تر از همیشه گشتند . تا بدین سری مشتی دجاله حکومت راند. اگر پرسیم چرا؟ پاسخش تا حدی روشن است.

برای اینکه ؛ از یک سو، میلیاردها دلار پول به تاراج هشت سال جنگی رفت ، که خمینی آن را نعمت می پنداشت . و از سوی دیگر ، میلیاردها دلار بعدی در شکم پروژه دولت امام زمانی، صرف غنی سازی اورانیومی شده است که حالا همه دنیا دارند برای تعطیلی آن دندان می سایند.

این است مدیریت امام زمانی و ادعای آوردن پول نفت بر سر سفره خالی مردم. از روز اذل روشن بود . خمینی که ادعا می کرد، «ما برای خربزه انقلاب نکردیم»، «اقتصاد مال خر است» اداره کشورداری پسا ماندگان او بهتر از او نمی توانست باشد. آنجا که رجاله ها بر مردم حکومت رانند، صاحبان اصلی انقلاب یعنی توده مردم پابرهنه باید به دنبال دستار بندان گذر کنند . اساسا در ایران تحت حاکمیت ولایت خامنه ای ، فساد ناشی از سرمایه داری یقه بسته سفیدها، در هیاکل اتاق بازرگانی و در سیمای سفرا و وزرا، آقا زاده

ها و آیت الله هاو سپاهی و بسیجی و مداحان مسلح و... بسیار پیچیده، تو در تو تر عمل می کنند و مدام در ساختار فسادپرور شبکه خویشاوندی آپارات روحانیت باز تولید می گردند. هر یک از این جماعت یقه بسته سفیدها، با تسبیح دانه درشت خود، که هر دانه اش به مثابه هوا سنج اقتصادی جلوه می کند، همواره با ظاهر سازی برای مشروعیت بخشیدن به رانت خواری بی حد و اندازه خویش، بی حساب و کتاب، برای توییت بنیه سرمایه داری نوکیسه ایران، مدام به جیب نداشته همین مردم یا این و آن دست می کنند. سیمای کثیف فقر آنچنان در جامعه دهن واکرده که کارگر زحمتکش از فرط نداری و بیکار شدن و خجل ماندن در مقابل پاسخگویی به نیازهای اولیه همسر و فرزندان اش، گاه خود را در محیط کار حلق آویز می نماید و کارمندی خود را در مقابل وزارت نفت به آتش می کشد و لام تا کام از کسی صدایی شنیده نمی شود و حتی مطبوعات کشور دنبال این دلیل هم نمی گردند که چرا کارمندی همزمان با ورود رئیس جمهور (حسن روحانی) به وزارت نفت، خود را به آتش می کشد!

درچنین روزگار کپک زده، آنگاه که دولت بی تدبیر حسن روحانی اقدام به توزیع سبدکالا کرده و وضعی اسفبار به وجود آورده که به راستی بسان توهین آشکار به مردمی همه سرنیازمند است که از سر نیاز، منتظر طرح های خیر رسانی اند. همین مردم مستاصل از همه چیز، از بعد نماز صبح در هوای سرد برفی خود را از راه دور و نزدیک به صف توزیع میرسانند تا شاید درمیانه های روز چند کیلو آذوقه و یک شانه تخم مرغ گیرشان بیاید. تصاویر انعکاس یافته در مطبوعات، رسانه های مجازی و دهها مصاحبه و گزارش با مردم به اندازه کافی گویای این وضعیت اسفبار است که من ادامه اش ندهم. انگار در مملکتی به سر می بریم که یک سونامی بر خواسته از سیلی ویران کن و یا جنگی ویرانگر بر فضای آن حاکم شده است که مردم اینگونه به جان هم می پرند و کسانی در زیر دست و پا له می شوند و با مرگ خویش سایه بردن سبد کالا را با مرگ خویش بر تابوت خود، به سردرب خانه ها و خانواده بازمی گردانند.

انگاره انگار در کشوری زندگی می کنیم که بیلان نقدینگی آن در یک قدمی ۷۰۰ هزار میلیارد تومان قرار دارد. بطوری که اعلام شده است: « آخرین آمار از حجم نقدینگی در حالی از سوی مسئولان بانک مرکزی ۵۳۷ هزار میلیارد تومان اعلام شده که همواره آمار غیر رسمی نشان از آن دارد که نقدینگی به آستانه ۷۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است»، در همین رابطه در ادامه این خبر آمده است: « آبان ماه نیز علی طیب نیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی، میزان نقدینگی واقعی کشور را ۶۵۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرد و گفت که بخشی از این میزان نقدینگی در اختیار موسسات غیرمتشکل است که تحت کنترل بانک مرکزی نیستند و برآورد میشود رقم آن معادل ۳۰ درصد (۱۹۵ هزار میلیارد تومان) باشد. (۲)

انگاره انگار در همین کشور آدمی به نام بابک زنجانی با ادعای «بسیجی اقتصادی» ساعت مچی اش را به قیمت ۱۵۰ میلیون تومان (۳) در سردرب زندان اوین وا گذاشت و خود او به جرم ناقابل بالا کشیدن چند میلیارد دلار نفتی برای بازجویی پا به استراحتگاه خویش در اوین می گذارد تا بازجویی گردد و بدهی کلان خود را بر سر غارت نفت کشور به دولت باز گرداند که تا اینجای قضیه ، همه وعده هایش نسیه است. اما در عوض امروز می شنویم؛ «که یکی از کارکنان ۵۸ ساله صنعت نفت، پس از ورود رئیس جمهور به ساختمان وزارت نفت، در مقابل وزارت نفت، اقدام به خودسوزی کرد» (۴)، چرا اینگونه است؟

می شنویم که وزیر کار، تعاون و امور اجتماعی کشور علی ربیعی با قباحت از سونامی ده میلیون نیروی بیکار جامعه ی سخن می راند و می گوید: «چه اتفاقی افتاده که طرف با مدرک لیسانس می آید و می گوید دیپلم دارد تا به یک شغلی برسد.» (۵)

هنوز برای دستمزد کارگران طرح مشترکی برپایه سکوت آمیز و نقشه مند سه جانبه گرایی در درون اطاق های دربسته و بدور از چشمان نمایندگان واقعی کارگران نکشیده اند. امروز خبرگزاری رسمی اعلام داشته است : « با اینکه تا ۲۰ روز آینده رقم نهایی افزایش حداقل مزد سال ۹۳ مشخص و به تصویب شورای عالی کار می رسد، اما بدنه بازار کار معتقد است دولت "تدبیر و امید" در اولین ورود رسمی به تعیین دستمزد مشمولان قانون کار امکان جدیدی برای ارائه یک مدل نو و کارآمد برای کاهش شکاف هزینه و درآمد کارگران و حذف روند تکراری افزایش ناچیز مزد سالیانه را ندارد و احتمالاً مزد سال آینده نیز بیشتر از ۱۰۰ هزار تومان افزایش نخواهد یافت. در عین حال، این روزها سناریویی دیگر نیز برای پرداخت دستمزد غیرنقدی مطرح است که در صورت تامین اعتبار آن از سوی دولت، می توان ۱۲ سبد کالایی رایگان به ارزش ماهیانه ۱۲۰ هزار تومان را در اختیار تقویت معیشت کارگران قرار داد...» (۶) ، اما در عوض دستمزد کارمندان فقط ۱۸ درصد افزایش یافته است حال آن که به اذعان خود همین دولت کذایی "تدبیر و امید" نرخ تورم در سال گذشته از ۴۳ تا ۵۷ درصد نوسان داشته است. دستمزد کارگران هم بیش از همین درصد کارمندان افزون خواهد شد. ادامه دارد...

## منابع:

۲- خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا ، ۳۰ دی ۱۳۹۲

۳- روزنامه هفته نامه آسمان ، ش ۷۱ ، ص ۷۶ ، شنبه ۱۴ دی ۱۳۹۲ در این گفتگو در باب این ساعت در همین صفحه با سوتیتر "اختلاف پنجاه (۵۰) میلیون تومانی در قیمت ساعت بابک زنجانی "آمده است: « در میانه مصاحبه ام، بابک زنجانی برای لحظاتی بیرون در ایستاد تا با یکی از مدیرانش صحبت کند. با یکی دیگر از مدیرانش که در مصاحبه حضور داشت درباره قیمت ساعت بابک زنجانی صحبت کردم. گفت: « قیمت ساعت آقای زنجانی قریب ۱۵۰ میلیون تومان است» در انتهای مصاحبه از بابک زنجانی پرسیدم : ساعتی که در دست دارید چند می ارزه؟ او گفت : " ۱۰۰ میلیون تومان "، خوب همانطوری که می خوانید، تفاوت رقم ۵۰ میلیون تومان برای این حضرات بیشتر به شوخی شباهت دارد تا رقم تعیین کننده محاسبات زندگی!

۴- به نقل از خبرگزاری فارس، از سایت خبری راه کارگر

<http://rahekargar1358.wordpress.com/2014/02/17/mary-627/>

۵- بولتن نیوز ، ۳۰ بهمن ۱۳۹۲ [/http://tnews.ir](http://tnews.ir)

۶- خبرگزاری دولتی مهر - گروه اقتصادی در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۲

<http://www.mehrnews.com/detail/News/2237487>

# صدای کارگران باشیم!

نگاهی به چهره عریان کارگر و فرمانفرمایی کارفرما در ایران

(بخش دوم)

امیرجوهری نگرودی

[amirjavaheri@yahoo.com](mailto:amirjavaheri@yahoo.com)

اسفند ۱۳۹۲ برابر مارس ۲۰۱۴

با شمارش معکوس روزهای پیش روی، به فضای پرتب وتاب روزهای عید نزدیک می شویم. در بازخوانی سنت ها، نوروز نشانه شادی و نوشدن و نوزایی است. هر آنچه کهنه است از تن بدر کردن و رنگ دگر پوشاندن به همه بود زندگی و هستی آن بشمار می رود. بدون تردید این تغییر و دگرگونی به مقتضای اندوخته فرد، دهن بازمی کند و خود را در برابر خواسته ها و همه تمنیات یکایک فرزندان و همسر و رنگین نگاهداشتن سفره آنان می نمایاند. عبارتی در روزهای آینده به مانند دیگر ایام سال، هر خانواده ای تنها با مراجعه به درآمد و دارایی خود می تواند پاسخگوی نیازها و انتظارات خود و اعضاء خانواده اش باشد.

دریافت خبرهای روزانه، در پایان سال بیان ویرانگری هر چه فزونتر حکومت کننده گان بر آحاد مردمان و خاصه مزد و حقوق بگیران سراسر ایران است، چرا که حاکمیت اسلامی، بر پایه اعمال سیاست های نئولیبرالی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در عرصه اقتصادی که کشور را به

ورطه سقوط و فلاکت رسانده و مزد و حقوق بگیران جامعه را خانه خراب تر و حکومت کننده گان را پُرجبروت تر ساخته است.

تهاجم بیش از پیش به امنیت و معیشت شغلی کارگران ، گسترش بیکار سازی ها ، عدم پرداخت حقوق های کارگران ، تهاجم به حقوق زنان کارگر در عرصه های گوناگون ، بی توجهی به وضعیت جوانان ، کودکان کا رو خیابانی ، فزونی سرکوب ، احضارها و زندان ، اعدام های خیابانی در مناطق ملی و محروم کشور، همه و همه نمایانگر فزونی درد و رنج مردمان فرودست ایران در آستانه نروزی دیگر است.

درست در آستانه چنین بهاری ، صابر بابایی کارگری از جوانرود کرمانشاه از وضعیت خود اینگونه برای مان حرف می زند: « در روزهای آخر سال که مردم در هیاهوی خرید لوازم جدید و نو کردن وسایل خانه شان هستند، کارگری به یکی از بیمارستانهای کرمانشاه مراجعه کرده تا برای پرداخت هزینه های سنگین جراحی چشم و جلوگیری از کور شدن مطلق یکی از کلیه هایش را بفروشد. او صابر بابایی ۳۵ ساله ساکن شهرستان جوانرود کرمانشاه است... او که اکنون دارای یک فرزند است در خانه ای استیجاری با موعد تخلیه اول فروردین سال ۹۳ زندگی می کند و چند ماهی است که به او اجازه انجام کار در اداره شهرداری شهرستان روانسر را به دلیل عدم بینایی نداده اند و او دیگر رفتگر روانسر نیست. ... جلوگیری از نابینایی مطلق و درد چشم، او را در روزهای آخر سال راهی بیمارستان قدس در شهرستان پاوه کرده است تا بتواند با فروش یکی از کلیه هایش مخارج جراحی چشم را بپردازد. او می گوید: « همه افراد خانواده ام کارگر هستند و مخارجی که پزشکان برای جراحی چشمانم اعلام کرده اند حدود ۱۵ میلیون تومان است منتها اکنون ماهی ۱۸۰ هزار تومان اجاره خانه ای با یک میلیون و نیم پول پیش را می دهم و چون از شهرداری اخراج و به علت بیماری از کار افتاده شده ام دیگر توان پرداخت هزینه ها را ندارم به همین دلیل فروش کلیه را انتخاب کرده ام چون شنیده ام با یک کلیه هم می شود زندگی کرد...» (۲) این کوشه ای از درد دل بلند این کارگر بود که من خلاصه اش کردم

اما بشنویم از کارفرما، محمد عطاردیان، دبیر کل کانون عالی کارفرمایان ایران گفت : « بدلیل آنکه در شرایط فعلی نمی توان مزد کارگران را به گونه ای افزایش داد که تأمین کننده معیشت خانواده های شان باشد، آنان مجبورند امور زندگی خود را با اضافه کاری و یا دو شغله بودن به نحوی بگذرانند...» وی با اشاره به



بند دوم ماده ۴۱ قانون کار ادامه داد: «حداقل دستمزد لازم است به میزانی باشد که معیشت یک خانواده با تعداد عائله متوسط را در حداقل تناسب تامین کند. اما آیا این در کشور ما در زمان کنونی میسر است؟ که پاسخ خیر است. زیرا ظرفیت اقتصاد به اندازه‌ای نیست که بتوان چنین کرد. کارگران زحمتکش ما مجبورند امور زندگی خود را به اضافه کاری و یا دو شغله بودن به نحوی بگذرانند». عطاریان، در ادامه با بیان چگونگی پیاده کردن بهره‌وری تصریح کرد: «دستمزد کمک اندکی به بهره‌وری می‌کند بدیهی است هر کارگر با داشتن یک زندگی نسبی بدون دغدغه برای کار و بهره‌ور بودن بسیار آماده‌تر از کارگر ناراضی و پر دغدغه است و عامل دیگر انگیزه است...» (۳) باید از این جناب عطاردیان پرسید؛ آیا خود حاضرند با ضریب کمترین دستمزد بدون دغدغه زندگی کنند و باز هم در مقام کارفرما و "دبیرکل کانون عالی کارفرمایان" عمل نمایند؟

همگان شاهد این بودیم که سال ۹۲ رابا نامگذاری «سال حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی»، عملاً به سالی توأم با دزدی، فساد و اختلاس‌های میلیاردی، دزدان سرگردنه از اندوخته شصت ساله کارگران در صندوق تامین اجتماعی بدل ساختند. رانت خواران نوکیسه به احدی رحم نکرده و هرکسی به نوعی اسب خود را زین نموده است. آنگاه که نوبت به تعیین تکلیف و ارسای وضعیت کارگران برسر حقوق‌های سال آینده‌شان می‌رسد. ابتداءً بالا رفتن هزینه‌های جاری زندگی مردم را برای سال پیشروی اعلام می‌دارند. با بوق و کرنا به مردم خبر می‌دهند؛ که قیمت برق ۲۵٪ گران شده است و قیمت آب هم ۲۰٪ بالا رفته و گفته می‌شود که قیمت گاز هم باید از متر مکعبی ۷۰ تومان به ۱۸۷۰ تومان برسد. یعنی حدوداً ۲۷ برابر بشود... و بازگفته می‌شود که بنزین باید لیتری ۱۷۶۰ تومان بشود و گازوئیل هم لیتری ۱۸۵۰ تومان گردد (۱) عملاً از سوبسیدهای کالایی هم خبری نیست و دلتان را به دریافت قطعی یارانه‌ها در سال جدید، دلخوش نسازید. چرا که ته‌کیسه ما خالی ایست و هنوز از وضعیت تحریم‌های جهانی در عمل رها نگشتیم. هنوز تکلیف پول‌های دزدیده شده روشن نیست، هنوز بخشی از بودجه پیش‌بینی شده، اعتبار مالی اش تامین نشده است. چرا که تا بحال یک شاهی از مهم‌ترین نهادهای بخش عمده غیردولتی که از سوی "بیت خامنه‌ای" کنترل می‌شوند، یعنی؛ «بنیاد مستضعفان و جانبازان»- «کمیته امداد خمینی»- «بنیاد شهید انقلاب اسلامی»- «بنیاد مسکن انقلاب اسلامی»- «بنیاد پانزده خرداد»- «سازمان تبلیغات اسلامی»- «موسسه جهاد نصر»- «موسسه جهاد استقلال»- «موسسه جهاد دانشگاهی»- «موسسه جهاد توسعه»- «شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی»- «کتابخانه مرعشی»- «کمیته فرمان هشت ماده‌ای خمینی» و... موسسات مالی و اقتصادی که زیر نظارت مستقیم "بیت خامنه‌ای" عمل می‌کنند، بخش دیگر نهادهای اقتصادی و نظامی یعنی؛ «سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی»- «نیروی مقاومت بسیج»- «نیروی انتظامی»- و انبوهی از موسسه‌های مالی و اعتباری و بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های پیمانکاری و دیگر شرکت‌های تابعه نظیر؛ «قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء»- «بنیاد تعاون ناجا»- «بنیاد تعاون سپاه»- «موسسه مالی اعتباری مهر»- «شرکت سرمایه‌گذاری مهرگان»- «شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایران»- «بانک انصار»- و جز این‌ها مهم‌ترین نهاد‌های به‌اصطلاح "عام المنفعه مالی و اقتصادی" نظیر؛ «آستان قدس رضوی»- «آستان معصومه»- «بنیاد فرهنگی مصلی‌نژاد»- «بنیاد بارانداز»- «بنیاد علوی»- «موسسه خیریه علی و حسین همدانیان»- «موسسه خیریه بین‌الرضا»- «موسسه درمانی و بهداشتی موسوی»- «بنیاد خیریه بیست و دو بهمن»- «بنیاد رفاه مسلمین»- «موسسه جامعه‌الامام صادق»- و ده‌ها موسسه مالی و اعتباری دیگر که زیر نظر مستقیم "بیت خامنه‌ای" و یا زیر نظر نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی اداره می‌شوند که به‌طورکامل از حیطة کنترل دولت خارج اند و مالیات نمی‌پردازند. تمامی این شبکه‌های تو در تو از سیستم رانت خواری بهره می‌برند. در همة عرصه‌های اقتصادی فعالند و در تمامی شبکه‌های بورس بازی نقش بسزایی دارند و اموال ملی و دولتی را زیر عنوان خصوصی‌سازی به تملک خود درمی‌آورند. بخش خصوصی که در جمهوری اسلامی تمام قد با تک میلیاردرهای فاسد آن به مانند: "فاضل خداداد" ها، "صادق محصولی" ها، "شهرام جزایری" ها، "برادران رفیقدوست" ها، "مه آفرید امیرخسروی با نام مستعار امیرمنصورآریا" ها، "محمد زنوزی مطلق" ها، "حسن میر کاظمی" ها، "حسین هدایتی دولابی" ها، "علی انصاری" ها، "خاوری" ها، "بابک زنجانی" ها، "سعید مرتضوی" ها، پیر و پاتال‌های کز کرده و وارثین عسکراولادی‌ها در اتاق بازرگانی، شناخته شده می‌شوند. همه این جماعت در قرنطینه حصار امنیتی، یک شبه میلیاردر شده و طی سه دهه اخیر از رانت‌های بی حساب و کتاب دولتی سودبرده، و بقول خود "بسیجی اقتصادی" اند. چنانچه نهادهایی را که نام بردم و در مجموع نظام جمهوری اسلامی عهده‌دار اعمال قدرت‌اند در نظر بگیریم و رابطه‌شان را با طبقه فرادست اجتماعی بررسی کنیم، مشخص می‌شود که تمامی اهرم‌های اعمال قدرت در نظام جمهوری اسلامی به‌طورکامل در اختیار محفل‌هایی است که سرمایه‌های کلان انحصاری و رانتی در آن‌ها متمرکز است و به احدی حساب پس نمی‌دهند، اینان در کنار دهها، صدها و هزاران هزار بقیعه، امامزاده، آستان، بنیاد، موسسه و شارع منبری که هر یک کدامشان، از معافیت‌های مالیاتی بنگاه‌های زیرمجموعه خود که اقتصاد و دارایی‌های مردم را با رمل و اسطرلاب، دعا و ندبه، نذرو نیاز امامانه کنترل می‌کنند، دهشاهی به خزانه دولت بازنگردانده اند و هنوز، هنوز و هنوز خزانه تهی و رمالان بر مسند سوارند!

حال که به پایان اسفند می رسیم ، چنانچه دولت نتواند به خواست واقعی کارگران که پاسخگویی به نیازهای آنان از یکطرف و و از دیگر سو حل تعیین نرخ دستمزد ها متناسب با نرخ تورم و سبب هزینه های جاری آنان است ، پاسخ در خور دهد و اوضاع همان است که هست و درب باز هم بر همان پاشنه خواهید چرخید!

بقولی:

دلا در این بهار هم دل تو وا نمی شود / که گر هزار گل دمد، بهار ما نمی شود! ( ادامه دارد.)

منابع:

• (روزنامه اعتماد ، سه شنبه، 13 اسفند 1392- شماره 0 2913 ،  
<http://www.etemaad.ir/Released/92> .۱۳۳/۱۳-۱۲-۱۳۹۲#269199.htm)

• (خبرگزاری دولتی مهر-گروه اقتصادی در تاریخ 11 مهر 92،  
<http://www.mehrnews.com/detail/News/2247112>)

خبرگزاری دولتی کار ایران -ایلنا در تاریخ 11 اسفند 92،  
<http://ilna.ir/news/news.cfm?id=150206>)

# صدای کارگران باشیم !

بعد از ماهها چانه زنی بر سر نرخ دستمزد کارگران  
سال ۹۳،

انگاری کوه موش زائید (بخش پایانی)

امیرجوهری لنگرودی

[amirjavaheri@yahoo.com](mailto:amirjavaheri@yahoo.com)

اول فروردین ۱۳۹۳ برابر ۲۱ مارس ۲۰۱۴

سرانجام بعد از همه چک و چانه زدن ها ، کارگرو کارگر کردن ها، هوار سفره خالی مظلومان سردادن ، با اعلام رقم توافق شده حضرات در ترکیب سه جانبه گرایی (دولت – کارفرمایان – نمایندگان شوراهای اسلامی کارکشور)، روز سه شنبه ابتداء با تیتراژی « مذاکرات مزدی ۹۳ تا بعد از ظهر تعطیل شد/ اختلاف ۱۵ درصدی دولت و کارگران»، اعلان تعطیلی جلسه مذاکرات بدلیل اختلاف پیش آمده ، در سطح خبرگزاری دولتی ایلنا منتشر شد (۱) چند ساعت بعد تر، شورای عالی کار، دستمزد کارگران برای سال ۹۳ را برابر پایه مزد با ۲۵ درصد افزایش، رقم ۶۰۸ هزار و ۹۰۰ تومان و برای سایر سطوح مزدی ۱۲ درصد افزایش به اضافه روزانه ۲۱۱۹ تومان تعیین کرد. (خبرگزاری کار ایران – ایلنا، سه شنبه ۲۳ اسفند ۹۲) (۲) اعلان داشت. بدن ترتیب بار دیگر به مانند سال گذشته، امسال نیز به برکت کارگرفروشی طرف های درگیر بحث بر سر تعیین نرخ دستمزدهای کارگران، یکبار دیگر میزان حقوق کارگران از تورم موجود در جامعه جا ماند!

ما که همواره و طی این مدت موضوع دستمزد ها را نظاره می کردیم . بیش از هر چیز معنای وجودی این مذاکرات و ترکیب سه جانبه گرایی را بی معنی و ضد کارگری دیدیم . چرا که در این ترکیب، موجودیت نمایندگان دولت به مثابه بزرگترین کارفرما در ایران و خود نمایندگان کارفرمایی توامان یک ترکیب واحدند. از سویی دیگر آنانی که خود را در هیكل نمایندگان کارگران جای داده اند یعنی اولیاء علی بیگی، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار و شرکای ایشان ( ناصر برهانی- محمد رضا بقائیان – هوشنگ درویشی – احمد رضا معینیان و ... ) نمایندگان خود برانگیخته ، اطلاعاتی و شبه کارگری و به نوعی قانونی و دولتی و انتصابی و تشریفاتی اند

که برای دوام و منفعت نظام جمهوری اسلامی و منافع خودی نه طبقه کارگر، همواره در ساحت کارفرمایی به چانه زنی و داد و ستد مشغولند و از خود اراده ای مستقل ندارند.

برای اینان طبقه کارگر، هیچ محلی از اعراب ندارد. بنابراین الگوی سازمان جهانی کار و متعارف شمردن آن در ترکیب سه جانبه گرایی در ایران، تنها در هیکل یک جانبه گویی های طرف های درگیر در بحث های خودشانی و در نشست و برخاست ها از نفس گرم سرمایه داری حاکم و نه منافع طبقاتی کارگران نمایندگی می گردد. از اینرو تمامیت آنان در برابر منافع کارگران اند نه یاری رسانان آنان!

هرساله ما شاهد هیجان کاذب جروب بحث های بی پایه نهادهای یک سر و دو گوش جمهوری اسلامی هستیم. ما شاهدیم که اینان در بارگاه شورای عالی کاریجی سه ترکیب (مجمع عالی نمایندگان کارگران- کانون های عالی انجمن های صنفی کارگری- کانون عالی شوراهای اسلامی کار) سه گروه شرکت کننده در کنار ابواب جمعی "خانه کار" در هیکل وجودی مذاکرات سه جانبه گرایی با نمایندگان دولت و کارفرمایی به نمایش می نشینند، همگی مطیع اوامر کائنات ولی فقیند و از خود اراده ای ندارند و صد البته در مجموع خود نیز نیروی اندکی از خیل عظیم چند ده میلیونی خانواده کارگری ایران را در حد ۱۰ درصد هم نمایندگی نمی کنند!

از منظر ما اساس این ترکیب به اصطلاح سه جانبه، ناکجای بیهوده است که هر ساله برای تعیین نرخ دستمزد، توسط حکومت گران به پیش صحنه رانده می شود تا عمل خود را موجه جلوه دهند و رژیم سرمایه، خود را نماینده گرایشات موجود، در هم سرنوشتی با منافع طبقه کارگر به کنوانسیون های جهانی و هم پیمان خود بشناسانند.

آنچه که روشن است تا به امروز کارگران ایران اعم از فعالین تشکل های مستقل، نمایندگان گرایشات مختلف کارگری ایران، همه و همه زیر وبم، این جماعت بی اعتبار را شناخته اند و کمترین اعتمادی به و خواهی ها، ادعاهای، و زجر خوانی های مسخره آنان ندارند. اساسا سه جانبه گرایی در کار نیست تماما یک جانبه گرایی است و سرتا ذیل این جماعت، هوادار منافع چرخه سرمایه داری موجود نکبت اسلامی ایران و جهان عمل می کنند!

این جماعت تشریفاتی و انتصابی همان می گویند که در مقاله پیشین ام از قول محمد عطاردیان، دبیر کل کانون عالی کارفرمایان ایران آوردم که گفت: «بدلیل آنکه در شرایط فعلی نمی توان مزد کارگران را به گونه ای افزایش داد که تأمین کننده معیشت خانواده های شان باشد، آنان (کارگران) مجبورند امور زندگی خود را با اضافه کاری و یا دوشغله بودن به نحوی بگذرانند. رئیس اتحادیه سرمایه داران اعلام کرده بود که نمی توانند دستمزدها را بر اساس نرخ تورم افزایش دهند و از کارگران خواست که "به نحوی" زندگی خود را بگذرانند...» (۳) آدم باید خیلی کُودن باشد که در برابر سونامی ۱۰ میلیون نیروی بیکار جامعه، کارگران را به سراغ پیدا کردن "شغل" دوم برای پوشاندن کمی دستمزد های ماهیانه به ناکجا آباد حواله دهد!

نکته دیگر علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در همان روز و در جمع خبرنگاران گفت: «... حداقل مزد در سال ۱۳۹۳ روزانه ۲۰۲/۹۷۰ ریال (دویست و دو هزار و نهصد و هفتاد) تعیین می می شود. وی افزود: سایر سطوح مزدی از ابتدای سال ۱۳۹۳ دوازده درصد (۱۲%) آخرین مزد (ثابت یا مینا موضوع ماده ۳۶ ق.ک) سال ۱۳۹۲ به اضافه روزانه ۲۱۱۱۰ ریال (بیست و یک هزار و یکصد و ده ریال) افزایش می یابد...» (۴)

بزرگواران می خواهند در حضور خبرنگاران حقه کنند که افزایش پایه دستمزد با محاسبه " سایر سطوح  
مزدی" یعنی همان افزایش حقوق بن و سنوات بیش از ۲۵ درصد است.

آقای وزیر باید بداند آنگاه که از زبان خود از سونامی ۱۰ میلیون نیروی بیکار جامعه صحبت می کند. مهم ترین نکته  
وقتی امروز بیش از ۸۰٪ درصد کارگران کشور همچنان اشکال مختلف کارگر قراردادی از جمله؛ کارگر قرارداد  
سفیدامضاء- کارگر روزمزد - کارگری قرارداد - کارگر ساعتی - کارگر قرارداد شفاهی و کارگری پیمانی و پروژه  
کاری و کنتراتی اعم از کارخانه ها و تاسیسات دولتی و خصوصی و غیره ... بیکار مشغولند. و آنگاه که نیروی گسترده  
کارگران کارگاههای زیرده (۱۰) نفر از شمول قانون کار خارج اند. یعنی از چهل میلیون نیرو خانواده های  
کارگری در ایران، گستره فقر، آنچنان عظیم و پیچ در پیچ است که با رقم بالای ۵۰ تا ۶۰ درصدی باید آنان  
را سنجید. متأسفانه این سه فاکتور در بحث نمایشی وزیر کار در جمع خبرنگاران جایی ندارد.

آقای وزیر باید بداند که طبق همین قانون کار کذایی مورد مدافعه و پذیرش دولتش، افزایش دستمزد را باید بصورت  
نقدی، آنهم برابر نرخ تورم اعلام داشته بانک مرکزی و سبد هزینه های جاری زندگی یک خانواده انجام گیرد و  
این عین تعبیر ماده ۴۱ و ۴۲ قانون کار است و تفسیر بردار هم نیست.

اما آنچه را که با وزیر کار در مضمون مزایای جانبی یاد می کنند و جناحه شامل اقلامی به مانند؛ حق اولاد-  
حق خواربار- حق بن و حق مسکن و... باشد، باید و باید بصورت جداگانه به کارگران پرداخت گردد. اصل  
دستمزد هم باید با میزان نقدی تعریف گردد. پرداخت کالایی به هر صورت و شکلی بصورت غیر نقدی به  
کارگران نه تنها هیچ مزیتی برای سفره خالی کارگران ندارد بلکه عوارض بس بیشماری را برای جامعه کارگری  
به دنبال می آورد. همانطوری که پیشتر یاد کردم؛ به دلیل عدم شرایط عرضه و تقاضا در بازار کار، بیشتر  
کارگران حتی از دریافت حداقل های قانونی محروم اند و در این شرایط تنها عده معدودی مشمول دریافت حق بن،  
مسکن و خواربار می گردند و تازه جمع معدودی از خیل میلیونی کارگران، مشمول مزایای مربوط به نحوه  
افزایش سایر سطوح مزدی خواهند شد.

جمع که ببندم، تعیین میزان دستمزد به زیر نرخ تورم اعلام شده برای سال ۹۳، این واقعیت را نیز در برابر چشمان  
همگان روشن ساخت. آن اینکه، تمامیت قدرت وجودی کارگران فقط با اتکا به نیروی اعتراضی خود معنی می  
یابد. کارگران آنگاه می توانند به خواسته های شان، از جمله افزایش دستمزدها متناسب با یک زندگی متعارف و  
امروزی دست یابند که خود را سازمان دهند و تنها با سازمانیافتگی است که می توانند از سد موانع موجود بگذرند.  
تجربه مبارزات کارگری طی سال های گذشته تا به امروز، نشان داده است که مطالبات کارگران در جری بحث  
های کربدورهای اداره کار و بستان های " شورای عالی کار" به دست نمی آید، بلکه طبقه کارگر برای رسیدن  
به حقوق پایمال شده ی خود، راهی جز همبستگی همه جانبه و متشکل، اتحادی همه پویه در سلسله اعتراضات  
جمعی و مبارزه برای ایجاد تشکل های واقعی و مستقل و سراسری خود در محیط کار و زیست خود ندارند.

گفتنی اینکه؛ با اعلان این رقم، قبل و بعد آن طی این مدت همه ما نفرین نامه ها و طومارهای اعتراضی بر سر تعیین  
تکلیف نرخ دستمزدها، صدای گام های کارگران را قدم به قدم به ما نزدیک می سازد. انگار امسال این گوی  
بازی، در سر سودای دیگری دارد و لشکر پیاده ارتش میلیونی بیکاران و کارگران خود را برای رزم بزرگی آماده

می سازند. اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) ۹۳ در برابر ما است. جدا از دوری و نزدیکی ما به آنها لااقل صدایش می آید، گوش فرا دهیم. کارگران با قابلمه های خالی از راه می رسند!

منابع:

۱- مذاکرات مزدی ۹۳ تا بعدازظهر تعطیل شد/ اختلاف ۱۵ درصدی دولت و کارگران

<http://ilna.ir/news/news.cfm?id=153413>

۲- با ۲۵ درصد افزایش پایه: دستمزد کارگران ۱۰ درصد کمتر از نرخ تورم تعیین شد

<http://ilna.ir/news/news.cfm?id=153437>

۳- صدای کارگران باشیم! نگاهی به چهره عریان کارگر و فرمانفرمایی کارفرما در ایران  
(بخش دوم)

<http://www.rahekargar.net/browsf.php?cid=1033&id=535&pgn>

۴- وزیر کار: شرکای اجتماعی مزد ۹۳ را با رأی مطلق اعضا تصویب کردند

<http://ilna.ir/news/news.cfm?id=153452>

=====